

اسلام در معماری هم حرفی برای گفتن دارد؟
شنبه ۳۰ ارد بهشت ۱۳۹۱ ساعت ۰۷:۳۵

معماری اسلامی، معماری فطری بشری یا به عبارت دیگر منطبق بر فطرت انسانی است. اما آیا در رابطه با معماری مدرن نیز چنین چیزی صدق می‌کند؟ به گزارش جهان به نقل از شبستان، نزدیک به سه دهه از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی می‌گذرد. در این مدت ایران اسلامی در بسیاری از زمینه‌ها، رشد و توسعه قابل قبولی داشته است اما یکی از زمینه‌هایی که همچنان در ابهام قرار دارد، موضوع معماری و شهرسازی اسلامی است. امروزه با وجود تأکید مکرر مسئولان اما همچنان سبک و سیاق حاکم بر معماری در کشور ما، بیشتر ماهیت غربی دارد و مانند اپیدمی همه جا فراگیر شده است. اما آیا به راستی می‌توان معماری اسلامی داشت؟ و یا معماری دوران اسلامی، واژه بهتری است؟ آیا اسلام به عنوان مکتبی که در همه زمینه‌ها راهبردهایی اساسی دارد، در معماری نیز حرفی برای گفتن دارد؟

معماری اسلامی منطبق بر فطرت بشری

آیت الله قرهی، موسس و متولی حوزه علمیه حضرت مهدی (عج) تهران که در زمینه هندسه شیخ بهایی و هندسه مظفر نیز تحصیلات عالی دارد، در همین راستا به خبرنگار شبستان گفت: آنچه که در ابتدا باید به آن توجه کرد این نکته است که معماری اسلامی، معماری فطری بشری یا به عبارت دیگر منطبق بر فطرت انسانی است. اما آیا در رابطه با معماری مدرن نیز چنین چیزی صدق می‌کند؟

وی با بیان برخی از تفاوت‌های موجود میان معماری اسلامی و معماری مدرن افزود: معماری‌های مدرن برخلاف معماری اسلامی به هیچ وجه با فطرت بشری همخوانی ندارد و پاسخگوی فطرت انسان نیست. «موضوع نور» یکی از مولفه‌ها و شاخصه‌های اصلی در تفاوت میان معماری اسلامی و معماری مدرن است. در معماری‌های اسلامی و دینی «بحث نور» البته نور طبیعی نه نور کاذب، از جمله مولفه‌های بسیار مهم است که نقشی بسیار تأثیرگذار در ساخت و سازها ایفا می‌کند. اهمیت نور، در دیگر ادیان و مکاتب مانند مسیحیت و بودا نیز دیده می‌شود. اما در معماری اسلامی به شکلی خاص و بسیار موثر مورد توجه قرار گرفته است.

مولفه‌های معماری اسلامی

آیت الله قرهی در تبیین مولفه‌های معماری اسلامی، با اشاره به نوع ساختار مساجد به عنوان نماد بارزی از اسلام و فرهنگ اسلامی تأکید کرد: در فرهنگ و تمدن اسلامی در ساختار مساجد، استفاده از نور طبیعی برای روشن کردن فضای مسجد بسیار مورد توجه بوده است. به گونه‌ای که روشنایی طبیعی مساجد تا حد امکان از نور خورشید و از طریق شیشه‌ها و در گذشته از طریق مناره‌های چهارگانه، تأمین می‌شد. و این موضوع عاملی بود برای روح بخشیدن به انسان. مولفه دیگری که باید به آن اشاره کرد، مسئله سقف و «مدل سقفی» از جمله بلندبودن سقف‌ها در معماری اسلامی است. علاوه بر آن نوع چینش طاق‌ها و طاقچه‌ها نیز عامل روح بخش بودن بناها و ساختمان‌ها شمرده می‌شود.

این استاد حوزه و دانشگاه با تبیین و توضیح مفهوم مورد نظر از واژه مسکن گفت: مسکن یعنی جایی که برای انسان آرامش بخش است و این آرامش جنبه روحی و جسمی انسان، هر دو را شامل می‌شود. و کاملاً واضح است که جایی که روح انسان آرام نباشد جسم نیز به آرامش نمی‌رسد.

وی افزود: «هلن برن» در رابطه با معماری اسلامی می‌گوید «در قلب معماری اسلامی نمادهایی از آرامش بخشی به انسان دیده می‌شود» وی حتی کتابی با عنوان «معماری اسلامی» دارد که در آن جلوه‌هایی از این آرامش بخشی معماری اسلامی را تبیین می‌کند. «آرتور آبهام اف» که در رابطه با معماری ایرانی و آغاز عصر اسلامی نظریاتی دارد، در فصل سوم کتاب خود نکته‌ای را بیان می‌کند مبنی بر اینکه «مساجد، شهر خدا در دل شهرهای خاکی هستند» و در این بیان استدلال می‌کند که وجود قوس‌های فراوان و گوناگون در معماری اسلامی که از اصول لاینفک در ساخت مساجد است، حائز اهمیت و در بر دارنده مفاهیم خاصی است.

این محقق و صاحب نظر در زمینه هندسه و فیزیک تصریح کرد: ایوانهای داخلی، سردرها، گنبدها، محراب و شبستان‌ها در

معماری اسلامی، همگی از جمله ابزارهایی هستند که در این سبک از معماری، روح زندگی را به انسان تزریق می کنند و این فیزیک با متافیزیک بشری سازگاری دارد. به واسطه همین موضوع معماری مذهبی و به خصوص معماری اسلامی، هیچگاه انسان را خسته نمی کند بلکه برعکس! موافقی که انسان از همه چیز و همه جا خسته است، نفس همین نوع از ساختار و ورود به فضایی مانند مساجد، جدای از مباحث معنوی که در مساجد وجود دارد، عاملی است برای المقای آرامش به انسان. به عبارتی دیگر نفس این نوع از ساختار و معماری چنین تأثیری را در خود به همراه دارد.

آرامش بخشی؛ مولفه ای مهم در معماری اسلامی

وی با اشاره به آیات قرآنی در این زمینه یادآور شد: این که قرآن در سوره طها می فرماید: «علی المعرش استوی...» نکته خاصی را بیان می کند. و شاید بتوان اینگونه نتیجه گرفت که آیه به دنبال المقای این مطلب به مخاطب است که عرش، قلب عالم است و ساختارهای اسلامی بخصوص مساجد، این حالت عرشی را از طریق نوع و نحوه معماری به انسان تفهیم می کنند. چرا که انسان می تواند مفهوم عرش را در قوس معماری های مذهبی، ایوانها، گنبد و شبستانها درک کند. این موضوع در صورتی که مورد توجه و تأمل بیشتر قرار گیرد، بشر را از دغدغه های فکری که امروز به واسطه صنعت دامنگیر او شده می رها کند.

آیت الله قرههی در ادامه با بیان برخی آثار مخرب صنعت در زندگی انسان گفت: ما معتقدیم صنعت فی ذاته مطلوب است اما همین صنعت انسان را به تخریب روحی رسانده چرا که انسان به واسطه صنعت، فطرت خود را به فراموشی سپرده است. بشر بر اساس فطرت خود نیازمند مکانهایی است که به او آرامش دهد و خانه های قدیمی ما در ایران چنین ویژگی را دارا بودند. به عنوان مثال خانه های عباسیان در کاشان با نوع خاصی از معماری که شامل هشتی ها، مکانهای خاص ورودی به خانه، باغچه ها و سرداب ها و... هستند، آرامش را به اعضای خانه المقا می کند. حتی امروز اگر شما به قسمتهای مختلف این خانه ها وارد شوید در کلیه قسمت های خانه اندرونی، بیرونی، حوضخانه و حتی سرداب، روح بخش بودن خانه را کاملاً لمس می کنید و این در حالی است که سرداب معمولاً در زیرزمین است و انسان در جایگاه های تنگ و تاریک احساس خوشایندی ندارد اما نوع معماری اسلامی حتی در سردابها به گونه ای است که فرد را دچار احساسات ناخوشایند نمی کند.

معماری مدرن با نیازهای فطری انسان همخوانی ندارد

وی افزود: معماری اسلامی پاسخگوی فطرت و نیازهای فطری انسان است. اما معماری جدید آن آرامش را به انسان نمی دهد و گاه حتی برعکس، موجب سلب آرامش می شود. در معماری مدرن برای روشنایی و نورسانی، از نورهای کاذب استفاده می شود. امروز متأسفانه با استفاده از هالوژنها، روز به روز به جای افزایش میزان نور، آن را کاهش می دهند و این کمبود نور باعث تخریب روح می شود چرا که انسان فی ذاته علاقمند به نور است (الله نورالمسومات والمارض). حتی قرآن نیز هنگام تمثیل خداوند با عنوان «ولی»، به موضوع خروج انسانها از ظلمات به نور تمثیل می زند

«الله ولی المذین آمنوا یخرجهم من المظلمات الی المنور» این خروج از ظلمات به سوی نور دلالت بر این دارد که انسان اشتیاق به نور دارد منتها نور طبیعی. اما برعکس، نورهای کاذب، روح انسان را تخریب می کند به خصوص مواقعی که این نورها در قاب ها و هالوژنهای خاص تغییر داده و به صورت بسیار کم و دلگیر ارائه می شود که این سبک بیشتر در ساختارهای غربی همچون سبک فرانسوی و آلمانی دیده می شود.

این صاحب نظر در مسایل فیزیک تصریح کرد: انسان حتی برای خوب کار کردن و تولید بالا در دنیا نیز (به خصوص با توجه به نامگذاری سال به سال تولید ملی توسط رهبری معظم انقلاب) می بایست روحیه بالا داشته باشد و روحیه بالا در جایی حاصل می شود که آرامش وجود داشته باشد اما متأسفانه ساختمانها و معماریهای مدرن آرامش را از انسان می گیرند.

وی تأکید کرد: امروز حتی برخی از صاحب نظران عرصه هنر نیز اقرار دارند که وقتی برای ورود به فضای داخلی یک خانه از راههای پیچ و خم دار عبور می شود، مسئله «حیات خلوت و حریم بصری» خانه و خانواده رعایت شده و از سوی دیگر آرامش برای اهل خانه به ارمغان می آورد. این یک امر کاملاً طبیعی و پذیرفته شده است که نوع پوشش افراد در داخل منزل با محیط بیرون متفاوت است. این موضوع و احترام به حریم خصوصی افراد، در هنر اسلامی مورد توجه است

و لذا این راههای پیچ و خم دار که در معماری اسلامی برای ورود به فضای داخلی خانه استفاده می شد به این دلیل بود که در صورت ورود اشخاص، اعضای داخل خانه آرامش نسبی داشته باشند و به همین دلیل در خانه های قدیمی اندرونی و بیرونی ساخته می شد.

آیا طرح های خانه های قدیمی امروز هم قابل اجراست؟

آیت الله قزقی افزود: شاید کسی این شبهه را مطرح کند که امروز با توجه به کمبود زمین نمی توان به آن شیوه معماری کرد. اما این شبهه وارد نیست بلکه مشکل، ندانستن شیوه کار است. همچنان که در موضوع مسکن مهر ثابت شد که می شود و می تواند تنها نوع معماری است که متفاوت می شود. ما منابع فراوانی در اختیار داریم اما شیوه صحیح استفاده از آنها را نمی دانیم. از سوی دیگر آیا تمام اماکنی که امروز آباد شده قبلاً هم آباد بوده است؟ ما می توانیم نوع معماری اسلامی را حتی در طبقات بالاتر گسترش دهیم همانگونه که برخی از معماریهای اسلامی قدیمی مانند خانه های عباسی در ۵ طبقه ساخته شده است. بنابراین می توان با نوع معماری اسلامی به شیوه های مختلف آرامش را به زندگی ها بازگرداند.

وی تصریح کرد: موضوع مهم دیگر در معماری، رنگ است. رنگ می بایست با نور همخوانی داشته باشد به تعبیر دیگر همیشگی رنگ با نور در معماری بسیار قابل توجه است. « هالی کاربن » در آثار خود با اشاره به عرفان ایرانی این مطلب را نیز بیان می کند که در عرفان ایرانی اسلامی به واسطه تابش نور و رنگهایی که در کاشیکاری ها وجود دارد، مانند رنگ آبی فیروزه ای یا سبزه های مغزپسته ای رمز و رازهای فراوان وجود دارد.

این استاد حوزه و دانشگاه یادآور شد: موضوع رنگ و نور به خصوص در فضاهای آموزشی بسیار مهم و بر میزان یادگیری موثر است. بنابراین معماری در یادگیری نیز موثر است و رنگ یکی از عوامل این اثرگذاری است. رنگ سفید نماد وجود مطلق و رنگ سبز نمادی از اهل بیت و رنگی نشاط آور و بشاش برای روح انسان است. در ساختار دنیا نیز نمونه عملی این مطلب دیده می شود. روح بخشی بودن و نشاط آوری بهار تا حد زیادی از این نشأت می گیرد که انسان انواع رنگها و زیبایی ها را در بستری از رنگ سبز می بیند. چمن ها، درختان، برگها، سبزی های مختلف با میوه های در انواع و اقسام رنگها انسان را به وجد می آورد. نقاشی هایی که در گذشته در ساختمانها کشیده می شد، گلهایی در زمینه سفید یا مغز پسته ای، نشانی برای ایجاد نشاط در مخاطب بود.

ویژگی خاص معماری اسلامی

آیت الله قزقی افزود: معماری و هنر معماری با هم متفاوت است؟ معماری اسلامی دارای شاخصه هایی است که آن را از سبک و سیاق های دیگر بناها جدا می کند. یکی از این ویژگی ها، هندسه علمی و عملی است. در معماری اسلامی هندسه علمی و عملی در کنار هم دیده می شود و این خود اثر خاص وضعی دارد.

شما اگر وارد مسجدی شوید که قبله آن متمایل به راست یا چپ باشد یعنی مستقیم نباشد، این موضوع در شما اثر روانی خواهد داشت چون انسان ذاتاً و به صورت ذاتی علاقه دارد که در مسیر مستقیم باشد.

وی در توضیح این مسئله گفت: نمونه همراهی و معیت هندسه علمی با هندسه عملی در معماری اسلامی را در مسجد شیخ لطف الله اصفهان کاملاً می توان مشاهده اختلاف زاویه در ورودی و صحن مسجد مسجد شیخ لطف الله در اصفهان توجه کنید. ده کرد. ورودی این مسجد تا قسمت صحن، که نماز در آن برگزار می شود ۴۵ درجه اختلاف زاویه دارد اما طراح مسجد (شیخ بهایی) به گونه ای بنای آن را طراحی کرده است که این اختلاف زاویه با پیچش های خاص، کاملاً جبران شده و در صحن مسجد قبله دقیقاً مستقیم است و این نکته ای است در معماری اسلامی که هندسه علمی و عملی توأم با هم هستند.

موسس حوزه علمیه حضرت مهدی (عج) خاطر نشان کرد: گاه هنرهای ابداعی نیز در معماری وارد می شود که ممکن است برخی ورود این ابداعات و خلاقیت ها در معماری اسلامی را نپذیرند. اما باید توجه داشت که این هنرهای ابداعی، در صورتی که اساس و بنیان های معماری اسلامی را زیر سوال نبرد اشکالی نداشته و بسیار هم پسندیده است. اما به شرط اینکه با فطرت بشر منافات نداشته باشد. یعنی کسی مخالف ابداع و خلاقیت نیست یا اینکه بگوییم ما تصمیم داریم همچنان در شیوه

های عصرهای گذشته زندگی کنیم اما با رعایت دو شرط؛ نخست اینکه این ابداعات با فطرت بشری سازگار باشد و دوم اینکه اساس و مبنای معماری اسلامی را برهم نزنند.

سازه ای از خشت اما ضد زلزله

وی با اشاره به نمادهای دیگری از معماری اسلامی در ساخت ضریح ها و حرم های ائمه و بزرگان دین افزود: نوع ساختار ضریح های مطهر ائمه و بزرگان قابل توجه است. به عنوان مثال نفس ۴ گوش بودن ضریح، خود عاملی برای جذب انسان است. نوع شبکه بندی ها، پنجره ها، مشبک بودن آنها همه با اصول و قواعد خاصی طراحی شده و تمدن حقیقی اسلام در موضوع معماری کاملاً واضح و آشکار است.

آیت الله قره‌پی مقاوم سازی را از دیگر مولفه های معماری اسلامی برشمرد و گفت: مسئله مقاوم سازی نیز در معماری اسلامی کاملاً مورد توجه است. شیخ بهایی (رحمه الله) که علاوه بر مسجد شیخ لطف الله، ساختمان سازه «منار جنبان» اصفهان را نیز طراحی کرده، در طراحی این سازه مقاوم بودن ساختمان را کاملاً مدنظر قرار داده است «منار جنبان» با خشت و آجر ساخته شده اما ضد زلزله است به عبارت دیگر در معماری اسلامی نوع چینش نیز مهم و مطرح است.